

تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۳-۲۱

دهستان یثرب / مدینه در دوره پیامبر بر پایه شواهد و قراین سده‌های نخست هجری^۱

مهران اسماعیلی^۲

استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

کاربرد واژه «شهر» برای مدینه النبی، در عصر حاضر اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد و بر این اساس نظریه‌های گوناگونی، درباره مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی «شهر مدینه» ارائه شده است. مسجد پیامبر در مرکز شهر، وجود بارو و دروازه در پیرامون آن و هم‌چنین ترجمه واژه مدینه به «شهر» این تلقی را ایجاد کرده که مدینه النبی «شهر» بوده است. نویسنده در این مقاله در صدد است تا با لایه‌برداری از رویدادهای متأخر تاریخی، به لایه‌های متقدم شهرشناختی مدینه دست یابد و بتواند الگوی استقرار یثرب در آن هنگام را استخراج کند. کلیه شواهد به دست آمده در لایه‌های متقدم، حاکی از آن است که یثرب مجموعه‌ای از روستاهای خرد و پراکنده در حاشیه وادی‌های یثرب بوده و تبدل دهستان یثرب به شهر مدینه به تدریج در طی سده‌های اول تا سوم هجری صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مدینه النبی، یثرب، صدر اسلام، جغرافیای تاریخی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۶

۲. رایانامه: mehnan.es.k@gmail.com

مقدمه

مدینه بازسازی شده عصر پیامبر از سوی تاریخ‌دانان، تصویری شهر گونه از مدینه ارائه کرده است؛ شهری که پیامبر بسان بسیاری از نام‌های دیگری که تغییر داد، آن را مدینه خواند.^۳ در این تصویر روستاهایی هم در اطراف شهر مدینه در نظر گرفته شده است. گویی پیامبر در حرکت از قُبا به سمت مدینه، او از روستای قُبا وارد شهر مدینه شده است. در لشکرکشی‌های پیامبر علیه بنی قریظه و بنی نضیر نیز همین تلقی پدید می‌آید؛ گویی پیامبر از شهر مدینه به یکی از روستاهای پیرامونی آن لشکر کشیده است.^۴ چنین تصویری با الگوی متداول از شهر و روستاهای پیرامونی آن انطباق دارد؛ زیرا همواره این گونه بوده است که روستاهایی به صورت اقماری در اطراف شهر شکل گرفته‌اند و نیاز شهر را به تولیدات کشاورزی تأمین می‌کنند.

ذهنیت روستاهای پیرامون شهر مدینه ناخواسته بر دیگر نگاشته‌های اسلامی تأثیر نهاده است؛ به عنوان نمونه این روایت که «پیامبر احکامی را به روستاهای انصار ابلاغ کرد»^۵ در منابع متقدم دیگر به صورت «پیامبر احکامی را به روستاهای انصار که اطراف مدینه بودند، ابلاغ کرد» تغییر یافته است.^۶ ناگفته پیداست که روایت‌های متفاوت این حدیث، در بردارنده دو الگوی استقراری متفاوت است: یکی شهر مدینه و روستاهای پیرامون آن و دیگری مجموعه روستاهایی به نام یثرب. شارحان منابع روایی الگوی شهر مدینه و روستاهای پیرامونی آن را تا سده‌های بعد تکرار کرده‌اند. محیی‌الدین نَوَوی (۶۷۶هـ)، ابن حجر عسقلانی (۸۵۲هـ)، بدرالدین عینی (۸۵۵هـ) و عبدالرحمن مبارکفوری (۱۳۵۳هـ) که همه از شارحان شناخته شده حدیث‌اند، در شرح بسیاری روایات، از شهر

۳. مقدسی، ۸۲؛ یاقوت حموی، ۳۳۸/۴.

۴. واقدی، المغازی، ۳۶۷/۱، ۴۹۹/۲.

۵. ابن راهویه، ۱۴۰/۵؛ ابن حنبل، ۳۵۹/۶؛ بخاری، ۶۹۲/۲.

۶. مسلم، ۷۹۸/۲؛ ابن خزيمة، ۲۸۸/۳؛ ابن حبان، ۳۸۵/۸؛ طبرانی، ۲۷۵/۲۴ و دیگران.

مدینه و روستاهای پیرامون آن سخن گفته‌اند.^۷ چنین ذهنیتی به مطالعات و پژوهش‌های معاصر نیز راه یافته و تلقی از مدینه به مثابه شهر موجب شده عبارت عربی «دور الانصار» به صورت «محلّه‌های مدینه» به فارسی ترجمه شود در حالی که ترجمه دقیق آن «سکونت‌گاه‌های انصار» است.

یکی از کهن‌ترین مطالعات فارسی معاصر در باب تاریخ صدر اسلام، تاریخ اسلام دکتر فیاض (د. ۱۳۵۰) است که نخستین بار در سال ۱۳۲۷ شمسی منتشر شد. نویسنده در توصیف حرکت پیامبر از قُبا به یثرب از سکونت‌گاه‌های یثرب به «محلّه‌های مدینه» تعبیر کرده است. وی هم‌چنین به مسیر مهاجرت پیامبر، دعوت بزرگان مدینه برای اقامت پیامبر در خانه‌هایشان و پاسخ پیامبر بدانان که «اجازه دهند شتر به مسیر خود ادامه دهد»، اشاره کرده است.^۸ در مطالعات بعدی هم این تلقی از مدینه و محلّه‌های آن، هم‌چنان تکرار شده است؛^۹ چنان که هر تردیدی در باب شهر بودن مدینه شگفت می‌نماید. با این حال، این مقاله در صدد است تا نشان دهد گزارش‌ها و شواهد تاریخی بیش از آن که دلالت بر شهر بودن مدینه داشته باشد، از روستایی بودن آن سخن می‌گویند. تنها مقاله قابل اعتنا در این زمینه مقاله «تحول‌های ساختاری در جغرافیای زیستی مدینه»^{۱۰} است که نویسنده نشان می‌دهد که یثرب/مدینه از آغاز تا عصر حاضر، چهار بار دچار تحول ساختاری شده است و به مقتضای بحث به روستایی بودن ساختار جغرافیایی یثرب در عصر پیامبر نیز اشاره کرده است.

۷. نووی، ۲۵۶/۱؛ عسقلانی، ۲۸۱/۹؛ عینی، ۱۶۱/۲۱؛ مبارکفوری، ۱۵۹/۹.

۸. فیاض، ۷۱-۷۲.

۹. العلی، ۴۸۱ و ۴۸۲؛ جعفریان، ۲۰۱ و ۳۵۶؛ نجمی، ۸. برخی مترجمان آثار عربی معاصر، واژه محلّه را به متن ترجمه افزوده‌اند، در حالی که در اصل عربی اثر مورد نظر، ذکری از محلّه نیست؛ به‌عنوان نمونه نک. العلی، ترجمه آیتی، ۳۸۲-۳۸۷.

۱۰. اسماعیلی، ۱۳۹۳.

سکونت‌گاه‌های طوایف یثرب

منشأ اصلی «محلّه» تلقی کردن «سکونت‌گاه‌های انصار» نخستین بار از ترجمه آزاد گزارش ابن اسحاق (د. ۱۵۱هـ) از مسیر مهاجرت پیامبر به مدینه ناشی شده است. بر اساس این گزارش:

پیامبر در روزهای دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه در قُبا و در میان بنی عمرو بن عوف ماند. سپس خداوند او را در روز جمعه از آنجا بیرون برد... پیامبر ظهر جمعه به بنی سالم رسید. نماز ظهر جمعه را در مسجد آنها در بستر رودخانه/وادی رانوانه^{۱۱} گزارد... عُتبان بن مالک و عباس بن عباده از [طایفه] بنی سالم از پیامبر خواستند برای اقامت به خانه‌های آنها درآید، ولی پیامبر از آنان خواست زمام شتر را رها کنند تا به فرمان الهی به راه ادامه دهد. پیامبر سپس به «دار» بنی بیاضه رسید [آنان نیز از پیامبر دعوت کردند، ولی نپذیرفت]... سپس پیامبر حرکت کرد تا به «دار» بنی ساعده رسید [آنان نیز از پیامبر دعوت کردند، ولی نپذیرفت]... پس از آن پیامبر به «دار» بنی الحارث بن خزرج رسید [آنان نیز از پیامبر دعوت کردند، ولی نپذیرفت]... آن‌گاه پیامبر به «دار» بنی عدی بن النجار رسید [آنان نیز از پیامبر دعوت کردند، ولی نپذیرفت]... تا این که شتر در «دار» بنی مالک بن النجار سینه بر زمین نهاد.^{۱۲}

همان‌گونه که ملاحظه شد در این گزارش بارها واژه «دار» به صورت مفرد به کار رفته است. «دار» در این گزارش به معنی «سکونت‌گاه» یکی از طوایف انصاری است، ولی برخی از مترجمان و محققان آن را به «محلّه» برگردانده‌اند^{۱۳} که ناشی از تلقی نادرست آنان از «شهر» مدینه است و گمان شده که پیامبر از محلّه‌ای به محلّه دیگر منتقل شده است؛ و

۱۱. یکی از رودخانه‌های مدینه، برای اطلاعات بیشتر از رودخانه‌های مدینه نک. دوغان سراسر کتاب و اسماعیلی، «شبکه مفهومی وادی...».

۱۲. ابن هشام، ۱/ ۴۹۴-۴۹۵.

۱۳. ادامه مقاله.

حال آن‌که واژه «دار» (جمع آن «دِیْرَة»، «دُور» و «دِیار»)^{۱۴} به معنی «سکونت‌گاه» است و برای هر سکونت‌گاهی اعم از شهری، روستایی یا کوچرویی کاربرد داشته. در گزارش‌های مربوط به حوادث صدر اسلام گاهی واژه «دُور» (جمع دار) نیز به کار رفته که به سکونت‌گاه طایفه‌ای خاص دلالت دارد. در چنین کاربردی «دور» به معنی «خانه‌های اعضای طایفه» خواهد بود؛ به عنوان نمونه طبری در گزارشی به «دور بنی نجار» اشاره کرده است^{۱۵} که آن را باید به «خانه‌های بنی نجار» یا «خانه‌های اعضای بنی نجار» ترجمه کرد. در هر صورت، واژه «دار» چه به معنی سکونت‌گاه به کار رود و چه به معنی خانه، دلالتی بر محله نخواهد داشت؛ مگر آن‌که سخن از شهری خاص در میان باشد.

نکته درخور توجه دیگر در این گزارش تعلق هر یک از این «دار»ها به یکی از دو طایفه اوس و خزرج است. همان‌گونه که گذشت پیامبر از قبا حرکت خود را آغاز کرد و از سکونت‌گاه‌های طوایف بنی سالم، بنی بیاضه، بنی ساعده، بنی عدی بن نجار و بنی مالک بن نجار عبور کرد و در نهایت به سکونت‌گاه طایفه بنی مالک بن نجار رسید و به خانه یکی از آنها، یعنی ابویوب انصاری منزل کرد. بررسی نسب‌شناسانه طوایف فوق نشان می‌دهد که پیامبر در قبا در خانه یکی از اعضای طایفه بنی عمرو بن عوف اقامت داشت که یکی از طوایف اوس بود.^{۱۶} دیگر طوایف مسیر پیامبر، یعنی بنی سالم،^{۱۷} بنی بیاضه،^{۱۸} بنی ساعده،^{۱۹} بنی عدی بن نجار^{۲۰} و بنی مالک بن نجار^{۲۱} همگی از خزرج بودند.

۱۴. صاحب بن عباد، ۳۴۱/۹؛ ابن منظور، ۲۹۸/۴.

۱۵. طبری، ۳۷۷/۲.

۱۶. ابن کلبی، نسب معد و الیمن الکبیر، ۳۶۵/۱.

۱۷. همو، جمهرة النسب، ۳۵۳ و ۴۷۱.

۱۸. همو، نسب معد و الیمن الکبیر، ۴۱۹/۱.

۱۹. همو، نسب معد و الیمن الکبیر، ۴۱۱/۱؛ همو، جمهرة النسب، ۳۶۵.

۲۰. همو، نسب معد و الیمن الکبیر، ۳۹۱/۱؛ همو، جمهرة النسب، ۲۷.

۲۱. همو، نسب معد و الیمن الکبیر، همان‌جا.

در مدت اقامت پیامبر در مدینه، ایشان هنگام دیدار از طوایف اوس یا خزرج، با آنان نماز می‌گزارد که محل نمازشان بعدها به مسجد آن طایفه تبدیل شد. ابن شَبَّه فصلی به مساجدی که پیامبر در آنها نماز گزارده،^{۲۲} اختصاص داده و در منابع دیگر هم به مساجد بنی عمرو بن عوف از اوس در قبا،^{۲۳} مسجد بنی خطمه از اوس^{۲۴} و مسجد قبلتین، متعلق به طوایف چهارگانه بنی سلمه از خزرج که در آن قبله از شمال به جنوب تغییر کرد، اشاره شده است.^{۲۵} بر این اساس ساکنان طایفه خزرجی بنی النجار که پیامبر در میان آنها زندگی می‌کرد و طوایف مجاور آنان در مسجدالنبی (که در سال دوم هجری بنا شد) نماز می‌خواندند، ولی دیگر طوایف اوس و خزرج، هر کدام مسجدی خاص خود داشتند.^{۲۶}

تحقیق جامع عبدالعزیز کَعکی درباره مساجد مدینه به وضوح موقعیت مساجد یثرب را تعیین کرده است.^{۲۷} او در جلد دوم این اثر به مساجد بنی حارثه و بنی عبدالاشهل که هر دو اوسی‌اند و همچنین مسجد بنی خُدَاره از خزرج پرداخته^{۲۸} و در جلد سوم مساجد طوایف خزرج چون بنی سالم، بنی الحَبلی، بنی خُدَره و بنی بیاضنه را بررسی کرده است.^{۲۹} در

۲۲. ابن شَبَّه، ۵۷/۱-۷۹.

۲۳. ابن هشام، ۴۹۴/۱؛ ابن سعد، ۱۸۸/۱.

۲۴. صالحی شامی، ۲۲۷/۷.

۲۵. همان. برخی هم بر این باورند که قبله در مسجد طایفه بنی عبدالاشهل از اوس تغییر کرد. همان.

۲۶. ابن کلبی، ۶۲۱ به بعد؛ از جمله باید این مساجد را نام برد: مسجد بنی ساعده، بنی حارثه، بنی عبدالاشهل، بنی ظفر، بنی امیه، بنی وائل، بنی سالم، بنی خُدَره، بنی خُدَاره، بنی الحَبلی، بنی بیاضنه، بنی زریق، بنی معاویه و مسجد بنی حرام که در قبال مسجدالنبی، مسجد قُبا و مسجد بنی سلمه (مسجد قبلتین) از شهرت چندانی برخوردار نبودند.

۲۷. درباره مساجد مدینه مطالعات متعددی صورت گرفته است و اثر عبدالعزیز کَعکی را می‌توان کامل‌ترین آنها دانست. او در سال ۲۰۱۱ کتابی در چهار جلد منتشر کرد که موقعیت، ساختمان، ابعاد و کلیه اطلاعات مساجد مدینه در آن بررسی شده است (کَعکی، عبدالعزیز، ...).

۲۸. کَعکی، الجزء الرابع، ۱۴۵/۲ و ۳۲۹-۳۵۵ و ۲۶۱-۲۷۳.

۲۹. کَعکی، الجزء الرابع، ۱۵۷-۱۱۲/۳ و ۱۷۶-۱۸۵ و ۴۴۲-۴۵۱ و ۴۸۴-۴۹۹.

جلد چهارم نیز موقعیت مسجد طایفه خزرجی بنی‌دینار و مسجد بنی‌سلمه، معروف به مسجد قبلتین، مشخص شده است.^{۳۰}

علاوه بر موقعیت امروزی مساجد مدینه، گزارش ابن زبالة (د. ۱۹۸هـ)، نخستین تاریخ‌نگار محلی مدینه نیز گویای تصویری تفصیلی از سکونت‌گاه‌های پراکنده یثرب است. ابن زبالة به وضوح از جمعیت یثرب در آستانه ظهور اسلام سخن گفته و برای بیان موقعیت سکونت‌گاه هر یک از قبایل و طوایف یثرب از مؤلفه‌های طبیعی چون کوه، دشت‌گذازه (الحرّة)، رودخانه (الوادی)^{۳۱}، یا یادمان‌هایی چون مسجد، باغ، خندق، جاده و هم‌چنین فاصله یا جهت جغرافیایی هر سکونت‌گاه نسبت به دیگر سکونت‌گاه‌ها بهره برده است.^{۳۲} نتایج مطالعات صورت گرفته درباره مساجد مدینه با گزارش‌های تاریخی ابن‌زبالة تطابق دارد و موقعیت سکونت‌گاه‌های یثرب را مشخص می‌کنند. آنچه از این گزارش‌ها و شواهد به دست می‌آید، مسافت‌های درخور توجه میان سکونت‌گاه‌های یثرب است. اگر از مسجد قبا تا مسجد پیامبر خط مستقیمی رسم شود، طول آن به چهار کیلومتر می‌رسد که در این مسیر طوایفی از خزرج چون بنی‌سالم، بنی‌حارث، بنی‌بیاضه و بنی‌ساعده زندگی می‌کردند. مساجد این طوایف در کنار خانه‌هایشان ساخته شده بود. اگر این طوایف را بر خطی مستقیم در نظر بگیریم، فاصله میان هر یک از این طوایف با طایفه دیگر معادل یک کیلومتر خواهد شد؛ هر چند ناهمواری‌های مسیر و پیچ و خم‌های آن می‌تواند این مسیر را تا حدود شش کیلومتر افزایش دهد که در این صورت فاصله سکونت‌گاه‌ها به یک‌ونیم کیلومتر

۳۰. کعکی، الجزء الرابع، ۶/۴-۳۹ و ۴۱۴-۴۴۳.

۳۱. وادی به معنی جاری، واژه‌ای است عربی که به رودخانه‌های مناطق گرمسیری که تنها در روزهای معدودی از سال جریان دارند، اطلاق می‌شود (اسماعیلی، ۳-۲۲). مؤلف حدوداً لعالم واژه «رودکده» را برای «وادی» به‌کار برده است (ویراستار، دهخدا، ذیل «رودکده»).

۳۲. ابن زبالة نخستین تاریخ‌نگار محلی مدینه است که متن کتاب او در کتاب وفاء الوفاء سمهودی نقل شده و پژوهشگران با تکیه بر کتاب سمهودی، اثر ابن زبالة را مستقل منتشر کرده‌اند (سمهودی، سراسر اثر؛ ابن زبالة، سراسر اثر).

افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر معلوم است که در شمالی‌ترین منطقه یثرب و در کنار خندق، طایفه بنی‌عبدالاشهل از اوس سکونت داشتند. بر اساس محاسبات قابل اندازه‌گیری، طوایف اوسی ساکن قبا در جنوبی‌ترین منطقه یثرب با طوایف اوسی ساکن نزدیکی خندق در شمال یثرب، حدود ۱۰ کیلومتر فاصله داشتند.^{۳۳}

شواهد موجود پژوهشگر را در برابر چند گزینه قرار می‌دهد؛ نخست آن که مدعی شود همه این طوایف در روستاهایی کوچک، مشابه و متقارب زندگی می‌کرده‌اند و یثرب مجموعه‌ای از روستاها بوده است. بر اساس گزینه‌ای دیگر، در این منطقه شهری به نام یثرب وجود داشته که تنها برخی طوایف خزرجی در آن زندگی می‌کردند و دیگر خزرجیان و عموم اوسیان و یهودیان در روستاهای پیرامونی مدینه سکونت داشتند و گزینه آخر آن که گفته شود یثرب شهری بوده است که سکونت‌گاه‌های پراکنده‌ای را که کیلومترها باهم فاصله داشته‌اند، دربر می‌گرفته است. شاکر مصطفی و صالح احمد العلی گزینه آخر را ترجیح داده‌اند^{۳۴} ولی با توجه به آن که مدینه در آن ایام جمعیت چندانی نداشته تا چنین وسعتی داشته باشد، پذیرش این گزینه دشوار است. حتی امروزه در بسیاری از مناطق مساعد جهان، نمی‌توان شهری را با چنین مساحتی مشاهده کرد تا چه رسد به شهری چون مدینه در منطقه‌ای بیابانی و به دور از تمدن و در سده‌ها پیش از این. شهرهای شناخته شده ایران، بین النهرین، مصر و یونان که شهرت و رونق بیشتری داشتند نیز به چنین گسترشی نرسیده بودند.

الگوی استقرار در یثرب / مدینه از گذشته تا حال

پس از بررسی گزارش‌های ابن زُبَاله و دیگر منابع متقدم و هم‌چنین موقعیت جغرافیایی مساجد و سازه‌های دفاعی یثرب و طوایف و فاصله سکونت‌گاه‌های آنان، می‌توان نتیجه

۳۳. وبگاه نقشه گوگل: فاصله مسجد قبا تا مسجد بنی حارثه.

۳۴. مصطفی، ۱/۳۰۰-۳۰۹.

گرفت که فرضیه «شهر یثرب» چندان قابل قبول نیست. با این همه شواهد به دست آمده از مطالعات تخصصی که امروزه در باب جغرافیای روستایی روستاهای استان مدینه صورت گرفته می‌تواند تأیید دیگری بر دهستان بودن یثرب باشد. آنچه در این مطالعات برای این مقاله اهمیت دارد، فاصله روستاها با یکدیگر و پراکندگی یا تمرکز و میزان جمعیت هر روستاست. نتایج پژوهش‌هایی که بر روستاهای تابع شهرستان‌های استان مدینه از جمله خیبر، بدر، یَبُوع و فُرُع انجام شده نشان می‌دهد امروزه پراکندگی یا تمرکز روستاهای این استان، به عواملی چون ارتفاع از سطح دریا و هم‌چنین میزان شوری منابع آبی ارتباط دارد.^{۳۵} روستاهای این استان در ارتفاع ۲۵۰ تا ۸۰۰ متر بالاتر از سطح دریا به یکدیگر نزدیک‌ترند. رودخانه/وادی‌هایی چون صَفْرا، فُرُع و عَقِیق در چنین ارتفاعی جاری است و معمولاً در چنین ارتفاعی چشمه‌های بیشتری هم وجود دارد. در نتیجه در اطراف چنین رودخانه‌هایی، روستاهای بیشتری شکل گرفته است. در مناطق پایین‌تر گرایش به سکونت کمتر است. کمترین سکونت‌گاه در این منطقه، در مناطق خشک مرتفع‌تر از ۱۸۰۰ متر احداث شده است. بر پایه این مطالعات، میانگین فاصله میان روستاهای استان مدینه ۱/۵۵ کیلومتر است و این روستاها جزو روستاهای «متقارب» طبقه‌بندی می‌شوند. فاصله هر روستا با روستای دیگر در شهرستان خیبر ۱/۵۳، در شهرستان یَبُوع ۱/۱۲، در رودخانه فُرُع ۱/۲۶ و در شهرستان بدر ۰/۹۶ کیلومتر است.^{۳۶}

عامل فاصله اندک روستاهای استان مدینه را این گونه تفسیر کرده‌اند. از یک سو مناطق قابل سکونت در این استان محدود است؛ از سوی دیگر دغدغه تأمین آب روستائیان را ناگزیر ساخته که سکونت‌گاه‌های خود را در کنار رودخانه‌ها بسازند. در نتیجه روستاهای کوچک متعدد و متقارب، در حاشیه رودخانه شکل می‌گیرد تا در ایام بارانی از آب رودخانه و در بقیه روزهای سال از سفره‌های زیر زمینی حاشیه رودخانه (آب چاه) بهره ببرند. پیدایش

۳۵. عبدالقادر، ۱۰۴-۱۵۷.

۳۶. همان.

روستاهای خرد متقارب، پیامد دیگری نیز دارد و آن افزایش ضریب امنیتی منطقه است؛ زیرا روستاهای مورد نظر، سکونت‌گاه‌های طوایف قبیله واحدی‌اند و خویشاوندی میان آنان ضریب امنیتی منطقه را در برابر حملات قبایل بیابان‌گرد افزایش می‌دهد. نتایج مطالعات جغرافیای روستایی در استان مدینه نشان می‌دهند عوامل پیدایی روستاها در این منطقه را باید در طبیعت و اقلیم آن جست‌وجو کرد. روستاهای کنونی استان مدینه، همگی تحت تأثیر همین عوامل طبیعی به وجود آمده‌اند و هم‌چنان مسکون و آبادند. بر اساس این بررسی‌ها، در مناطق خشک این چنینی، سکونت‌گاه در کنار رودخانه‌ها شکل می‌گیرد و جمعیت محدودی را هم در خود جای می‌دهد.^{۳۷}

مطالعات صورت گرفته این فرضیه را تقویت می‌کند که یثرب دوره پیامبر نیز مجموعه روستاهای متقاربی بوده‌اند که بر کرانه‌های رودخانه‌های یثرب^{۳۸} شکل گرفته بودند و در هر روستای آن طایفه‌ای زندگی می‌کرد. از این رو، می‌توان گفت الگوی کنونی روستاهای استان مدینه همان الگوی تاریخی استقرار در این منطقه است.

دهستان یثرب در منابع متقدم

در این بخش به گزارش‌هایی باید اشاره کرد که در آنها به «روستاهای یثرب» تصریح شده است. در گزارش دعوت مردم به تشییع جنازه عباس، عموی پیامبر در سال ۳۲ هجری، عبارت «قُری الانصار»، به معنی «روستاهای انصار»، به کار رفته است. بنابراین گزارش زمانی که عباس از دنیا رفت، بنی هاشم فردی را مأمور کردند و عثمان نیز فرد دیگری را مأمور ساخت و آن دو، یکایک روستاهای انصار را طی کردند تا به همه انصار خبر دهند که جنازه عباس به‌زودی از مسجد نبوی به سمت بقیع تشییع خواهد شد.^{۳۹} طبیعی است که

۳۷. عبدالقادر، ۱۰۴-۱۵۷.

۳۸. دوغان، پیشین.

۳۹. ابن سعد، ۳۲/۴.

ساکنان روستاهای دور دست انصار برای حضور در تشییع جنازه به زمان بیشتری نیاز داشتند. شبیه همین گزارش درباره تشییع جنازه امام حسن (ع) تکرار شده است. به روایت جَهم بن ابی جَهم، زمانی که حسن بن علی (ع) از دنیا رفت، فردی را مأمور کردند تا به روستاهای یثرب برود و آنان را به تشییع جنازه امام حسن (ع) دعوت کند.^{۴۰} تعبیر «قُری الانصار» در برخی گزارش‌های دیگر نیز به کار رفته که به اقامتگاه طوایف اوس یا خزرج اشاره دارد.^{۴۱}

تعبیر «روستاهای انصار» گاه در روایات فقهی هم مشاهده می‌شود. در روایت ربیع دختر مُعاذ بن عَفراء آمده که پیامبر احکامی به «روستاهای انصار» ابلاغ کرده است.^{۴۲} هم‌چنین تعبیر «یکی از روستاهای انصار» در روایتی از سعید بن جبیر (م. ۹۵هـ) آمده است. در این روایت گفته شده که ساکنان یکی از روستاهای یثرب در پی درخواست فردی که خود را پیک پیامبر معرفی کرده بود، به تحقیق و تفحص پرداختند و معلوم شد که آن فرد، به دروغ خود را پیک پیامبر معرفی کرده است.^{۴۳}

مورخان نیز در گزارش‌های خود به روستاهای انصار اشاره کرده‌اند. ابن سعد (د. ۲۳۰هـ) از روستای قُبَا، روستای بنی خَطَمَه، روستای بنی وائل، روستای بنی واقف، روستای بنی امیه بن زید، روستای بنی قریظه و روستای بنی نضیر نام برده است.^{۴۴} مراد او دقیقاً روستاهایی است که طوایف اوس در آن مستقر بودند؛ زیرا بنی خَطَمَه،^{۴۵} بنی وائل،^{۴۶}

۴۰. ابن عساکر، ۲۹۷/۱۳.

۴۱. مالک بن انس، ۲۱۶/۱؛ احمد بن حنبل، ۴۴۵/۵؛ هَیثَمی، ۲۲۱/۷؛ سمعانی، ۳۳۱/۱۲؛ بیهقی، ۲۸۴/۶؛ حموی، ۵۰۱/۱.

۴۲. ابن راهویه، ۱۴۰/۵.

۴۳. عبدالرزاق، ۲۶۱/۱۱.

۴۴. ابن سعد، ۱۹/۲.

۴۵. ابن کلیبی، ۶۴۲.

۴۶. ابن کلیبی، جمهرة النسب، ۶۴۷.

بنی‌واقف،^{۴۷} بنی‌امیه بن زید^{۴۸} همه اوسی بودند. طایفه بنی عمرو بن عوف که در قبا زندگی می‌کرد هم از طوایف اوس به شمار می‌آمدند.^{۴۹} قبا از گذشته تا دوره معاصر همواره به‌عنوان یکی از روستاهای این منطقه معرفی شده است. افزون بر این گزارش‌ها، در روایتی از جابر بن عتیک هم به «روستای بنی معاویه» اشاره شده است.^{۵۰} بنی معاویه از طوایف اوسی به شمار می‌آمدند که ابتدا در قبا زندگی می‌کردند ولی در اثر اختلافاتی که با آنان پیدا کردند، به نزدیکی سکونت‌گاه‌های خزرج منتقل شدند.^{۵۱}

هم‌چنین سمهودی در گزارش تاریخ یثرب و نزاع اوس و خزرج به‌وضوح به روستاهای یهودیان^{۵۲} و ابن‌زبالة به‌تفصیل به سازه‌های دفاعی هر روستا، نام و موقعیت آن اشاره کرده است.^{۵۳} ابن‌رسته نیز هنگام گزارش مهاجرت اوس و خزرج به یثرب، آنجا را متشکل از چندین روستا و بازار دانسته است.^{۵۴} ذهبی از معدود مورخانی است که تصور درست‌تری از یثرب پیش از اسلام دارد. او در تاریخ الاسلام گفته است که «در آن هنگام [عصر پیامبر] هنوز یثرب شهر نشده بود و روستاهایی پراکنده بود».^{۵۵}

۴۷. همان، ۶۴۴.

۴۸. ابن‌کلبی، نسب معد و الیمن الکبیر، ۳۶۵/۱.

۴۹. ابن‌خردادبه، ۱۳۰.

۵۰. مالک بن‌انس، ۲۱۶/۱.

۵۱. سمهودی، ۳۴۷/۱.

۵۲. سمهودی، ۱۴۲/۱؛ هم‌چنین نک. صالحی شامی، ۲۸۴/۳.

۵۳. نک. سمهودی، ۱۳۰/۱ به بعد.

۵۴. ابن‌رسته، ۶۱؛ هم‌چنین نک. بکری، ۴۱۴/۱؛ ابن‌نجر، ۲۸؛ ابن‌اثیر، ۶۵۶/۱.

۵۵. ذهبی، ۳۱/۲.

باروهای مدینه

علاوه بر شواهد و قراین پیش گفته، تاریخ بنای باروهای مدینه نیز مؤیدی بر فرضیه این مقاله است. مدینه دو بارو داشت: باروی درونی و باروی بیرونی. باروی درونی مدینه هنگام حضور پیامبر هنوز بنا نشده بود وگرنه پیامبر در نبردهای خود علیه سپاهیان قریش و دیگر مهاجمان، از آن بهره می‌برد و نیازی به حفر خندق در نبرد احزاب نبود. مطالعات متعدد صورت گرفته حاکی از آن است که در نیمه‌های سده سوم هجری، قحط و خشک‌سالی موجب حمله قبایل کوچ‌رو به مدینه و غارت اموال حرم گردید و در نتیجه در دوره معتمد عباسی و در سال ۲۶۳ هـ برای نخستین بار، باروی مدینه ساخته شد؛ ولی مدتی بعد فرو ریخت که عضدالدوله بویه در سال ۳۶۰ هـ آن را بازسازی کرد.^{۵۶} بر اساس محاسبه عبدالعزیز کعکی محیط باروی درونی مدینه ۲۲۶۳ متر بوده است^{۵۷} که اگر باروی مدینه مربع در نظر گرفته شود طول هر ضلع آن حدود ۵۵۰ متر خواهد بود.

به مرور زمان و طی سده‌های چهارم تا ششم هجری، محله‌های دیگری بیرون باروی مدینه و در جنوب و غرب آن احداث شد و از این رو در حدود سال ۵۵۷ هـ باروی بیرونی مدینه ساخته شد تا امنیت آنها نیز تأمین گردد؛^{۵۸} با این همه مدینه هم‌چنان شهری کوچک باقی ماند و قبرستان بقیع در فاصله اندکی از شرق آن، بیرون باروهای مدینه قرار داشت.^{۵۹} دو دروازه باروی بیرونی از جهت جنوب و جنوب غربی، یعنی «دروازه قبا» و «دروازه عوالی»^{۶۰} نشان می‌دهد که دو منطقه قبا و عوالی/عالیه که سکونت‌گاه طوایف اوسی و دو طایفه یهودی بنی‌نضیر و بنی‌قریظه بود، بیرون باروی بیرونی مدینه قرار داشته‌اند. اگر باروی

۵۶. انصاری، ۱۷۳-۱۷۴؛ سریانی، ۱۶۷-۱۸۱؛ رومی ۱۹۷.

۵۷. کعکی، الجزء الثالث، ۴/۱۵۰.

۵۸. همان، ۸۸.

59. Elden Rutter, 558, 562.

۶۰. کعکی، الجزء الثالث، ۲/۳۱۶-۵۶۳.

بیرونی مدینه که مساحت گسترده‌تری را در بر می‌گیرد، به‌عنوان شاخص محدوده «شهر مدینه» در نظر گرفته شود، تعداد قابل توجهی از مساجد خاص طوایف اوس و خزرج، بیرون از محدوده باروی بیرونی شهر قرار می‌گیرند.^{۶۱}

امعان نظر بر اطلاعات مربوط به باروهای مدینه و دروازه‌های آن دو نتیجه در پی خواهد داشت؛ نخست آن‌که اولین جغرافیانگاران مسلمان مدینه را همراه باروها و دروازه‌هایش مشاهده کرده‌اند و از این رو آن را «شهر» پنداشته‌اند. آنان تصویری درست از یشرب دوره پیامبر نداشتند و به همین دلیل نمی‌توان بر پایه مشاهدات آنان مدینه دوره پیامبر را نیز «شهر» پنداشت. نتیجه دوم آن است اگر مدینه را همان یشربی بدانیم که پیامبر نام آن را تغییر داد، نمی‌توان پذیرفت کلیه طوایف یشرب (اوسی، خزرجی و یهودی) درون باروهای شهر مدینه زندگی می‌کردند. در نتیجه یشرب همان مدینه نیست، بلکه مجموعه سکونت‌گاه‌هایی بوده که بارویی از آنها محافظت نمی‌کرده بلکه در هر یک از سکونت‌گاه‌ها چند سازه دفاعی کوچک (اُطم) ساخته شده بود که از جان و دارایی خانواده‌های هر طایفه حفاظت می‌کرده است؛^{۶۲} لذا به نظر می‌رسد پس از بنای باروی مدینه در سده سوم، بوده که سکونت‌گاه‌های بیرون باروی مدینه را روستاهای پیرامونی مدینه پنداشته‌اند.

افزون بر اینها، فراوانی و پراکندگی سکونت‌گاه‌ها، مساجد و سازه‌های دفاعی طوایف یشرب بیانگر آن است که هیچ نشانه‌ای بر تمرکز ساختاری سیاسی و اجتماعی و تقسیم کار و مشارکت در یشرب وجود نداشته و سخن گفتن از «شهر یشرب» در آستانه ظهور اسلام، فاقد توجیه کافی است. از سوی دیگر ترسیم نقشه تاریخی یشرب با تکیه بر فرضیه شهر بودن آن، مستلزم آن است که موقعیت شهر، بارو، دروازه‌ها، معابر اصلی از مرکز شهر تا دروازه‌ها، مناطق و محله‌های شهری و ساختمان‌های اصلی شهر از جمله مسجد مرکزی، مساجد محله، قصر حاکم یا دارالحکومه و فضاهای عمومی شهر مشخص باشند در حالی که چنین

۶۱. کعکی، همانجاها.

۶۲. ابن زبالة، سراسر اثر.

نقشه‌ای از یثرب عصر پیامبر هنوز ترسیم نشده است و طبق مدعای این مقاله ترسیم آن ممکن نیست.

نتیجه

مطالعات پیشین از شهری به نام مدینه سخن می‌گویند که مسجد پیامبر در کانون آن قرار داشته و محله‌های مختلفی را در بر می‌گرفته و دیواری آن را احاطه کرده بوده است، و حال آن‌که پراکندگی مساجد طوایف ساکن پیرامون یثرب، حکایت از مسافت قابل توجه بین سکونت‌گاه‌های مدینه دارد که در مواردی به بیش از چند کیلومتر می‌رسد و مساحت درون باروهای مدینه بسیار محدودتر از آن بوده که بتواند تمامی مساجد مدینه را دربرگیرد. قبا هم یکی از روستاهای شهر مدینه معرفی گردیده، ولی نتایج این بررسی نشان می‌دهد این تلقی که قبا یکی از روستاهای شهر مدینه بوده، از اساس نادرست است. چنین تصویری از قلعه‌های یهودیان بنی نضیر و بنی قریظه نیز نادرست است. موقعیت مساجد مدینه، تاریخ ساخت باروی مدینه، گزارش ابن زباله (در سده دوم هجری) و مطالعات جدید جغرافیایی درباب روستاهای استان مدینه هم نشان از آن دارد که یثرب در عصر پیامبر مجموعه روستاهایی خرد و پراکنده بوده‌اند که در حاشیه رودخانه‌های این منطقه پدید آمده بوده‌اند و ظهور سکونت‌گاهی به نام «شهر مدینه» در واقع پس از هجرت، در پیرامون «دار» بنی مالک بن النجار، یعنی اقامت‌گاه پیامبر (ص) و مسجد منسوب به او، به تدریج شکل گرفته و توسعه یافته و بعدها دو بارو گرد آن احداث شده است.

کتابشناسی

- ابن اثیر، عزالدین علی، الكامل فی التاريخ، بیروت، دارالصادر، ۱۹۶۵م.
- ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان، به کوشش شعیب ارنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۳م.
- ابن خزیمه، محمد بن اسحق، صحیح ابن خزیمه، محمد مصطفی الاعظمی، بیروت، المكتب الاسلامی، ۱۹۷۰م.
- ابن راهویه، اسحاق، مسند اسحاق بن راهویه، به کوشش عبدالغفور بن عبدالحق البلوشی، مدینه، مكتبة الایمان، ۱۹۹۱م.
- ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، دارالصادر، بی تا.
- ابن خردادبه، عبیدالله، المسالك و الممالک، به کوشش دخویه، بغداد (افست)، ۱۸۸۹م.
- ابن رُسْتَه اصفهانی، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، به کوشش حسین قره چانلو، انتشارات توس، نوبت اول، ۱۳۶۵ش.
- ابن زباله، اخبار المدینه، به کوشش صلاح عبدالعزیز زین سلامه، المدینه، مرکز بحوث و دراسات المدینه المنوره، ۲۰۰۳م.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰م.
- ابن شَبَّه، عمر، تاریخ المدینه المنوره، به کوشش فهیم محمد شلتوت، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰هـ.
- ابن فقیه همدانی، احمد بن محمد، مختصر کتاب البلدان، لایدن، ۱۳۰۲هـ.
- ابن کلبی، هشام بن محمد، نسب معد و الیمن الکبیر، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۲۵هـ.
- همو، جمهره النسب، بی جا، عالم الکتب، ۱۴۰۷هـ.
- ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دارالصادر، نوبت سوم، ۱۴۱۴هـ.
- ابن نجار، محمد، الدرر الثمینه فی اخبار المدینه، به کوشش حسین محمد علی شکر، بیروت، دار الارقم، بی تا.
- ابن هشام حِمیری، عبدالملک، السیره النبویه، به کوشش مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- اسماعیلی، مهران، «شبكة مفهومی وادی در گفتمان سدهای نخست هجری»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۹۲.
- همو، «تحولهای ساختاری در جغرافیای زیستی مدینه»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۲۱، ۱۳۹۳.

انصاری، عبدالقدوس، آثار المدينة المنورة، بیروت، دار العلم للملایین، نوبت سوم، ۱۳۹۳هـ/۱۹۷۳م.
بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، به کوشش مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر،
نوبت سوم، ۱۹۸۷م.

بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة، به کوشش عبدالمعطی قلجی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۵م.
پاپلی یزدی، محمد حسین و حسین رجبی سناجردی، نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران، سمت،
۱۳۸۶ش.

جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، مشعر، نوبت هشتم (نوبت اول ۱۳۷۵ش)، ۱۴۲۸هـ.
حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار الصادر، ۱۹۹۵م.
دوغان، محمود ابراهیم حامد، الاودية الداخلة الى منطقة الحرم بالمدينة المنورة، ریاض، الجمعية
الجغرافية السعودية، ۱۹۹۹م.

ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی،
نوبت دوم، ۱۹۹۳م.

رومی، محمد بن خضر، «کتاب التحفة اللطيفة في عمارة مسجد النبي و سور المدينة الشريفة»، رسائل
في تاریخ المدينة، به کوشش حمد الجاسر، ریاض، دار الیمامة، ۱۹۷۲م.

سریانی، محمد محمود، «السكن الحضري»، المدينة المنورة: البيئة و الانسان، به کوشش رویثی و
خوجلی، المدينة المنورة، نادى المدينة المنورة، ۱۹۹۸م.

سمعانی، ابوسعید، الانساب، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۹۶۲م.
سمهودی، ابوالحسن، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید،
بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۵م.

صاحب بن عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴هـ.
صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار
الکتب العلمیة، ۱۹۹۳م.

طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، به کوشش حمدی بن عبدالمجید، موصل، مكتبة الزهراء،
۱۹۸۳م.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث،
۱۹۶۷م.

عبدالقادر، عايشه محمد الحاج، «السكن الريفى»، المدينة المنورة: البيئة و الانسان، به كوشش رويشى، محمد احمد و مصطفى محمد خوجلى، المدينة المنورة، نادى المدينة المنورة، ١٩٩٨م.
عسقلانى، ابن حجر، فتح البارى شرح صحيح البخارى، به كوشش محب الدين الخطيب، بيروت، دار المعرفة، بى تا.

العللى، صالح احمد، الحجاز فى صدر الاسلام، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٣٦٩/١٩٩٠ش.
همو، حجاز در صدر اسلام، ترجمه عبدالمحمد آيتى، تهران، مشعر، ١٤١٧هـ/١٣٧٥ش.
عينى، بدر الدين، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
فياض، على اكبر، تاريخ اسلام، تهران، دانشگاه تهران، ١٣٢٧ش.
كعكى، عبدالعزيز، معالم المدينة المنورة بين العمارة و التاريخ، الجزء الثالث: تاريخ و عمارة الحصون و الآطام، الأسوار و الأبواب، القلاع و الأبراج، المجلد الثانى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ٢٠٠٦م.

همو، معالم المدينة المنورة، المدينة، متحف دار المدينة، ٢٠١١م.
مالك بن انس، المؤطاً، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٩٨٥م.
مباركفورى، محمد عبدالرحمن، تحفة الاحوذى بشرح جامع الترمذى، بيروت، دار الكتب العلمية، بى تا.
مسلم نيشابورى، ابوالحسين، صحيح مسلم، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.

مصطفى، شاكرا، المدن فى الاسلام حتى العصر العثمانى، بى جا، ذات السلاسل للطباعة و النشر، ١٩٨٨م.

مقدسى، محمد بن احمد، احسن التقاسيم، قاهرة، مكتبة مدبولى، ١٤١١هـ.
نجمى، محمد صادق، تاريخ حرم ائمه بقیع و آثار ديگر در مدينه منوره، تهران، مشعر، نوبت پنجم، ١٤٢٨هـ/١٣٨٦ش.

نووى، محيى الدين، خلاصة الاحكام فى مهمات السنن و قواعد الاسلام، به كوشش حسين اسماعيل الجمل، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٨هـ/١٩٩٧م.
واقدى، محمد بن عمر، المغازى، به كوشش مارسدن جونز، نوبت سوم، بيروت، مؤسسة الاعلمى، ١٩٨٩م.

هَيْئَمَى، على بن ابوبكر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٩٩٨م.

دهستان یثرب/مدینه در دوره پیامبر بر پایه شواهد و قراین سده‌های نخست هجری ۲۱/

Elden Rutter, *The Holly Cities of Arabia*, London and NewYork,
Putnam, 1928, pp.558, 562.